

## معرفی کتاب ک.ج.ب در افغانستان

ک.ج.ب در افغانستان، نامی کتاب است که بوسیله واسیلی میتروخین، ضابط اسناد در ارشیف "ک.ج.ب"، نوشته شده، این کتاب پیرامون فعالیت‌های سازمان "ک.ج.ب" در افغانستان بین سالهای 1978 و 1983، معلومات اراء مینماید، که توسط موسسه تاریخ جهانی جنگ سرد به طبع رسیده است. احمد ضیا رهگذر آنرا از انگلیسی به فارسی ترجمه نموده است.

بقول مولف "بخش افغانستان بر اساس معلومات بدست آمده از "ک.ج.ب" بنا یافته، معلومات از سایر مراجع و منابع در آن بخش کنجانیده نشده است."

در این کتاب فعالیت‌های ک.ج.ب و جواسیس افغانی در خدمت "ک.ج.ب" از آغاز سال 1950 الی 1980 بیان شده است، و پرده از نقاب مهره های فعال "ک.ج.ب"، در افغانستان برمیدارد. و از رابطه نزدیک آنها با "ک.ج.ب" به ما میگوید. یاداشتهای میتروخین تایید کننده این واقعیت نیز میباشد که "ک.ج.ب" حتی قبل از کود تا هفت ثور در افغانستان فعال بوده و توسط همین افراد فعالیت داشته است."

میتروخین میگوید « ک.ج.ب" در سیاست شوروی سابق در قبال افغانستان از همان آغاز عمیقا دخیل بوده و تعداد گماشتگان آن سازمان به صدها نفر میرسد که ساحه فعالیت آنها تنها بداخل افغانستان محدود نگردیده بلکه کشورهای همسایه مانند ایران و پاکستان را نیز در بر میگرفت. دولت سردار محمد داود 1973-1978 روابط نزدیکی با اتحاد شوروی داشت و چندین تن از وزیران محمد داود اعضای ک.ج.ب بودند.»

نور محمد تره کی (اسم اجنتی آن نور) بود. تره کی در سال 1951 بصفت اجنت گماشته شد و با افراد ذیل که همه اعضای (ریزدنسی 1) در کابل بودند در تماس بود:

,Sagadiev ,kozlov ,Fedoseev ,Spiridnov ,Kostromin Kozyrev A.V.Petrov,

اجنت دیگر بربک کارمل (اسم رمزی اش: مرید) بود. کارمل از سال 1957 در خدمت "ک.ج.ب" بود. در پایان سال 1962 تره کی و کارمل شخصا بایکدیگر آشنا شدند (هر دو جاسوس باهم معرفی شدند). هر دو وطن فروش سالها قبل از تاسیس حزب نام نهاد "خلق" جاسوس "ک.ج.ب" بودند. حزب ضد دموکراتیک خلق و ضد رعایت حقوق بشر در سال 1965 ساخته شد، رهبران این حزب جواسیس و دلالان سرمایه تولتی شوروی و میلیغین راه رشد غیر سرمایه داری و تقویه سیکتور دولتی با ماسک پرولیتری در افغانستان بودند. این رهبران را نخست بدیده اجنتهای شوروی بعدا بد یدة افغانهای کمونیست مینگرد. زمانی که تره کی بصفت منشی عمومی حزب بر کزیده شد، "ک.ج.ب" به کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش اطلاع داد که آن اداره در نظر دارد تا تماس هایش را با اجنتش (تره کی) قطع کند در این اطلاعات آمده بود "در صورتیکه اوضاع بوخامت بگراید و ایجاب ارایه کمکهای عملی در امورات حزبی را نماید، در آن صورت آن اداره میتواند بانها یت احتیاط تماسها ی مخفی را با تره کی برقرار نماید". ریس بخش روابط بین المللی کمیته مرکزی میلووالف بجواب "ک.ج.ب" نوشت: سوسلوف عضو بیرو سیاسی کمیته مرکز س ح.ک.ا.ش، پونو ماریف و آندروپف (رهبر ک.ج.ب، از سال 1967 تا 1982 بعدا منشی کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش) بعد از مطالعه نمودن راپور "ک.ج.ب" بتاریخ هژدهم فبوری 1965 به این نتیجه رسیدند تا "ک.ج.ب" به تماسهایش با تره کی در امورات حزبی ادامه دهد". حتی مضامین جریده خلق توسط روسها تهیه میشده، چنانچه میتروخین مینوسد. " تره کی نظریزیدانسی را در مورد این روزنامه جويا شده در خواست نمود تا ریزیدانسی برای روزنامه خلق مقالات و مضامین آماده نماید".

تره کی نقش مد یر استخدام "ک.ج.ب" را در افغانستان ایفا میکرده، میترو حین ادامه میدهد: "تره کی شخصی بود که مردم را رهبری کرده و تعداد زیادی از اجنتها بواسطه او استخدام شده بودند. به کمک او مظاهره در مقابل سفارت چین در کابل بتاریخ 21 فبوری 1967 بر علیه اقدامات تفرقه جویانه چین اجرا شد. یک اعتراضنامه از طرف "کارکران" که در آن

از خشم وانزجار دوستان افغانی چینی ها تذکر بعمل آمده بود، ترتیب داده شده تماسهای تلففونی اعتراض آمیزی با سفارت چین

1 ریزید نسی : به آن دسته از جاسوسان "ک.ج.ب" گفته میشد که در چوکات سفارت شوروی در افغانستان فعالیت میکردند.

صورت گرفت، ، تره کی شخصا با سفارت چین تماس تلففونی گرفته و بنا بر در خواست دوستان چینی اش در کابل، : خشم و نا خوشنودی آنها را اظهار داشت. او مضمون به زبان دری و با دست چپ نامه را نوشت که بعدا بتاریخ 23 فبوری توسط یک تن از

اعضای "ح.د.خ." دوکتور صالح که با بایسکل از مقابل سفارت چین میگشت به داخل سفارت آن کشور پر تب گردید. اما تره کی و کارمل این توانای را نداشتند تا مشترکا حزب را رهبری نمایند. بیرک، تره کی را به رشو خوری، تماس با امریکا یها، ما لک بودن چهار عراده موتر و داشتن 400000 افغانی در یک با نک پشتون متهم میساخت. "ک.ج.ب" تره کی را منحیث نوکر صادق

واجنت با پاس که اصل راز داری و محریت را رعایت میکرد، میشناخت: "ریزبدانسی در باره تره کی نظر مثبت داشته اورا بمثابه یک دوست صدیق و مخلص شوروی، شخصیکه صادقانه با شوروی همکاری مینمود و از اصل راز داری و محریت را رعایت میکرد و بالاخره شخصیکه یک دوره ماموریت را در سفارت افغانستان در امریکا گذر شتاده بود میندا شت. حزب "دموکراتیک خلق" ارگان تبلیغاتی و مارکیتینگ سرمایه دولتی شوروی بود، رهبران شوروی میتواستند برحسب دل خواه خود هر لحظه آن را منحل نمایند، چنانچه تره کی در گزارشی به "ک.ج.ب" چنین میگوید: "اگر رفقا شوروی فکر میکنند که هنوز زمان مناسبی برای ایجاد و فعالیت حزبی مانند "ح.د.خ." در کشور ما فرا نرسیده پس باید این حزب منحل شده و من باید به خارج کشور مثلا به هند، سوریه و یا هم سریلانکا رفته سرگرم کار ادبی گردم".

میتروخین، ادامه میدهد "ح.د.خ."، ونشریه آن هر دو توسط کمیته مرکزی "ح.ک.ا.ش" حمیه مالی میشدند. در سال 1965 برای تره کی مبلغ 50000 افغانی برای مبارزه انتخاباتی موصوف در شورای ملی، پرداخته شد. در اپریل 1965 روز نامه خلق بنشر آغاز نمود. ملاقات بین تره کی و نماینده "ک.ج.ب" معمولا یا در داخل یک موتر و یا در محل سکونت یک کارمند "ک.ج.ب" صورت گرفته، تره کی بشکل مخفیانه به آنجا برده میشد. برای تره کی مبلغ 180 روبل معادل 4000 افغانی معاش و تدارک مواد غذایی در نظر گرفته شده بود. به تره کی در سال 1974 رقم تعیین شده همیشه 50000 افغانی پرداخته شده بود. برای ترکی نخست بتاريخ 15 مارچ مبلغ 30000 افغانی و بعدا بتاريخ 25 می سال 1977 مبلغ 30240 افغانی پرداخته شد. مزد تره کی بطور منظم از طرف "ک.ج.ب" همواره پرداخته میشد. اما تره کی از طرف شعبه روابط بین ملی کمیته مرکزی "ح.ک.ا.ش"، بطور منظم پول در یافت میداست. البته این موضوع بدون آگاهی سایر اعضای کمیته مرکزی "ح.د.خ." صورت میگرفت. حتی حفیظ الا امین باوجود اینکه دوست نزدیک تره کی بود و کاملا مورد اعتماد او قرار داشت، در باره فعالیتها "ک.ج.ب" او چیزی نمیدانست. تره کی بتاريخ اول اکتوبر 1968 نامه به یرژنف فرستاد، و در آن نوشت "کمک های اقتصادی برای دولت افغانستان بشکل قرضه و خصوصا تدارک مواد مصرفی مانند شکر و یا پترول باید متوقف گردد. ما طبعتا خواهان قطع فرستادن موادیکه با عث رشد و تقویت طبقه کارگرمیشود نیستیم. بلکه ما خواهان قطع فرستادن اشیای لوکس استیم زیراکه این اشیا مورید استفاده طبقه حاکم در کشور قرار میگیرد." شکر و پترول ضروریات اولیه در یک کشور محسوب میشود، در حالیکه از دید "نابغه شرق" اشیای لوکس محسوس میشود، چه اقتصاد دان بزرگی؟ تره کی ادامه میدهد "امید وارم بفالیتهای "ح.د.خ." که در متابقت با مارکسیم-لنینیزم قرار دارد و سرگرم مبارزه با ارتجا و امپر یالیزم میباشد، توجه نماید. "ح.د.خ." از همان ابتدا ناشیر افکار مارکسیم-لنینیزم در افغانستان بوده است".

بتاریخ 17 اکتوبر 1972 تره کی به ریزیدنسی هشدار داد که داود در نظر دارد کودتا نماید. در می 1973 عبدالصمد اظهر(اسم اجنتوری یا رمزیوی. فتح بود) گزارش داد که داود ماده کودتا ست. اظهار معلومات مفصلی در باره بر نامه کودتا ارایه نمود" بعد از کودتای 1973 "ک.ج.ب" به تره کی هدایت داد تا افراد وفادار خود را به مقامات بالای در دستگاہ دولت جدید جابجا نماید.

**" تمامی اعضای کمیته مرکزی و کدرهای حزب، عضوی "ک.ج.ب" بودند و با اسامی اجنتوری ثبت "ک.ج.ب" شده بودند."**

لیست جا سوسان "ک.ج.ب" با اسامی اجنتوریشان بترتیب ذیل: نور محمد تره کی اسم اجنتی آن نور، لازم بیاد اوریست که اسم اجنتوریتره کی بعد از کودتا اپریل از (نور) به (دیدوف) تعویض گردید، بیرک کارمل اسم رمزی اش: مرید، در ماه اکتوبر 1979 اسم اجنتوری بیرک از مرید به مارتوف تعویض گردید، حفیظ الله امین اسم اجنتوری کاظم، محمد گلابزوی اسم اجنتوری محمد، محمد رفیع اسم اجنتوری نورو، قادر اسم اجنتوری عثمان، عباس اسم اجنتوری استخبا را ت، عبدالصمد اظهر اسم اجنتوری فتح، محمود بریالی اسم اجنتوری شیر، دستگیر پنجشیری اسم اجنتوری ریچارد، جیلانی باختری اسم اجنتوری رکاس شاه محمد اسم اجنتوری اسپیرس.

**کودتای هفت ثور یا 27 اپریل 1978**

داود در سال 1975 حزب انقلاب ملی را تاسیس سیستم یک حزبی را با پیروی از اتحاد شوروی اعلام کرد. رسیدنسی در کابل بر رهبران "ح.د.خ." دستور داد تا آن ها افراد خود را بحزب داود نفوذ دهند تا بدین وسیله بتوانند از داخل آن حزب دست به فعالیت های تخریب کارانه بزنند. همچونان به تره کی مشوره داده شد تا او بصورت خاص از احتیاط کارگرفته و از ملاقات های غیر ضروری با سایر اعضای کمیته مرکزی خودداری نماید.

میتر و خین از ترور خیبر قبل از کودتای حرفی به میان نمی آورد.

مرگ خیبر زمینه چینی و انگیزه بود برای سرنگونی دولت داود. بتاریخ 25 اپریل تره کی، ببرک شاه ولی و چند تنی دیگر از اعضای رهبری حزب توسط دولت افغانستان دستگیر گردیدند. بتقیب آن "ک.ج.ب" و جاسوسان وابسته به آن بتاریخ 27 اپریل دست به کودتا زدند. نظر به یادداشتهای میتر و خین "سا زمان دهی کودتا و هم آهنگی کارهای مقدماتی بعهده فقیر معاون حفیظ الامیت گذاشته شد. در این کودتا نقش عمده را لواهای 4 و 15 زره دار و قوای کمان دو بازی میکردند. وظیفه آن ها را تسخیر شهر کابل تاسیسات مهم دولتی تشکیل میداد. کودتا چیان از حمایت قوای هوای و مدافعه هوای نیز برخوردار بودند. دگر وال قادر قومندان قوای هوای و مدافعه هوای و معاون آن نظر محمد فرمان دهی نیروها را بعهده داشتند."

سید محمد گلاب زوی و محمد رفیع بلا فاصله حادثه کودتا را به ریزیدنسی اگزا داشت دادند. ریزیدنسی این موضوع را ذریعه تلگرام عاجل به مسکو گزارش داد.

تمام جنایاتی که در مدت حاکمیت "حزب دموکراتیک خلق" در افغانستان صورت گرفته است، هدایت دهنده آن "ک.ج.ب" و شورویها بودند، رهبری حزب "خلق" مزدوران بی اراده و درگیر و استخبارات اتحاد شوروی قرار داشتند. چنانچه حفیظ الامین در روز دوم کودتا ثور "بایک افسر اوپراتیفی شوروی ملاقات نموده طالب مشوره در مورد ذیل شد: "آیا بیانیه خطاب بمردم تره کی از طریق رادیو صبح روز 29 اپریل پخش شود یا صبح روز 30 اپریل؟ آیا بیانیه موصوف از آدرس صادر شود ویا از آدرس شوروی انقلابی نظامی؟ و بالاخره آیا تره کی صرف ریس جمهور خوانده شود ویا منشی عمومی وریس جمهور به شکل همزمان؟" ریزدنسی در گزارش خود به مسکو در حمایت امین نوشت: "امین حامی همیشگی همکاری با اتحاد شوروی و ح.ک.ا.ش است."

وابستگی و چاکری حزب وطن فروش "خلق" بحدی است که ریس جمهورش را مسکو تعیین مینماید.

"بتاریخ 30 اپریل بیروی ساسی کمیته مرکزی "ح.ک.ا.ش" طی یک جلسه به بررسی اوضاع افغانستان پرداخت که نتیجه آن به "ریزدنسی در کابل نیز فرستاده شد. در این جلسه فیصله شده بود تا با امین ملاقات صورت گرفته به او گفته شود که به باور مسکوباید بزودترین فرصت ممکن در افغانستان دولت جدید ایجاد و شخصی بعنوان ریس جمهور تعیین گردد. در جلسه مذکور همچونان توافق بعمل آمد تا تره کی ریس جمهور تعیین شود اما از ذکر این مطلب که نامبرده منشی عمومی کمیته مرکزی "ح.د.خ." نیز میباشد، خودداری شده این موضوع به آینده موکول گردد. هدایات مشابهی به پوزانف از طرع وزارت خارجه نیز ارسال گردیده بود."

میتر و خین در مورد زندانیان در روزهای اول کودتا چنین مینوسد. "بتاریخ 6 می عبد القادر (از مسکو) طالب مشوره در مورد چگونگی بازندانان گردید، تعداد زندانیان تا آن زمان از مرز ده هزار تن گشته بود (9 روز بعد از کودتا). محاسب مملو از محبوسین بوده بتعدادشان هر روز افزوده میشد. اندرو پوف ریس "ک.ج.ب"، گرو میکو (وزیر خارجه) مشکل یاد شده را بابیروی سیاسی مطرح نمودند. بیروی ساسی باین پیش نهاد انروپف موافقت نمود که آن عده از اعضای "ک.ج.ب" که از گشته ها ارتباط اجنتوری با قادر (اسم اجنتوری یا رمزی عثمان) داشتند، همراه با دساتیری در مورد چگونگی بر خورد با توقیف شده گان، به کابل فرستاده شوند. همچنان تورنجنرال گویولوف به ریاست متخصصین شوروی در افغانستان برگزیده شد. عزیزی ریس استخبارات، بشکل محرمانه چنین گفت: تحقیقات از زندانیان صرف زمانی صورت میگرفت که متهم میتوانیست اسناد و مدارک ارایه کند واما متباقی زندانیان به قتل میرسیدند.

بنا بر دستور عبدالاحد ولسی منشی اول کمیته ولایت بلخ در ماه می سال 1978 بتعداد نهمصد تن از اهالی آن ولایت تحت نام ضد انقلاب دستگیر شدند. باز داشتندگان در مزار شریف به زندان افکنده شده، مورد شکنجه قرار گرفته بودند. قرار بود یک هیات جهت تحقیق در باره فعالیت های ضد انقلابی آنها تعیین گردد. جهت انتقال آنها بکابل در اوسط ماه جون مکتوبی بدانجا ارسال شد. اما در جریان یک محاسبه روشن گردید که تعداد زندانیان کاهش یافته زیرا به تعداد 50 تا 60 تن آنها هرشب در اطراف فرقه 18 پیاده که در شهر مزارشریف موقعیت داشت، تیر باران شده بودند. دستگیر شده گان وادار میشدند تا با دستهای خود برای خود قبر حفر کنند.

کدام احصایه که بتواند تعدادی دقیق زندانیان را بر ملا سازد نیز وجود نداشت. اما از طریق محاسبه نمودن مصرف مواد ی این واقعیت نمایان شد که تعداد زندانیان همه روزه بین 30 تا 70 تن کاهش یافته است.

جنین بود جنایات ضد بشری خلق و پرچم در آغاز کودتا 7 ثور | ترور دسته جمعی مردم و نسل کشی، با پیروی از پدر وحشت و ترور سرخ کتلوی لینین و بگور سپردن انسانهای بیگناه.

در دوره حاکمیت خلق و پرچم، مصونیت جانی و مصونیت مالی برای مردم وجود نداشت. دارای افرادی که خودشان و یا خویشاوندانشان دست گیر میشدند، توسط اکسا ضبط شده بفروش رسانیده میشد. اموال ضبط شده بین امین، سروری و اسد الامین تقسیم میشد. جهت فروش این اموال یک دکان در شهر کابل گشوده شده بود که مفاد آن بجنب امین سرازیر میگردد. همچنان مبلغ چهار میلیون افغانی، 800 سکه طلایی نیکولایوف روسی 12 بکس زیورات زنانه از نزد اعضای فامیل روحانی سرشناس جدیدی، بدست آمده بود نیز به امین سپرده شد. سروری جمعا مبلغ 300 میلیون افغانی به امین داده بود... اشیا و اجناس قیمتی مربوط خانواده هی محمد ظاهر شاه و محمد داود نیز به دست امین و نزدیکانش افتاد. در جریان سال 1979 پسر امین با 128 کلیو گرام اموال خانواده شاه و محمد داود بشکل مخفی به جاپان سفر نمود. "زمانیکه سه وزیر، گلاب زوی، وطنجار، مزدوریار و سروری بمحل مخفی "ک.ج.ب" در کارته سه پناهنده شدند، زمانیکه موتر آنها تلاشی گردید از آن مبلغ چهار میلیون دوصد بیست هزار افغانی 53950 دالر آمریکای بدست آمد. هر سه وزیر از موجودیت پول در موتر اظهار بی اطلاعی کدند و گفتند که پول از آن ها نمیباشد." ریزیدنسی به این باور بود که پولهای مزکور توسط سروری از بودجه اکسا گرفته شده بود. دالر ها به مسکو فرستاده شد و پول افغانی شامل بودجه مصرفی سال 1979 ریزیدنسی ساخته شد.

خوانندگان گرامی! هرگاه شما بسخنان خلقیها و پرچمیها در میدیا وسایتهای آنها نظر اندازید، آنها میگویند، که اشرا ر مانع پلانهای مثبت ما شدند، آنها فرزندان صدیق مردم بودند، اما قبلگاهی آنها یعنی "ک.ج.ب" دزدی بمال و دارایی مردم آنها را افشامیکند.

در جریان نخستین روزهای ایجاد رژیم جدید ریزیدنسی بنا بدستور مسکو دست به یک سلسله اقدامات برای دست یابی به ارشیفهای وزارت داخله، اداره استخبارات و اداره استخبارات نظامی افغانستان زد. در این عملیات از اجنتهای که دارای موقعیت های بلند ی در ادارات استخبارات بودند مانند عباس (اسم اجنتوری استخبارات) سر پرست ریاست استخبارات نظامی کاد گرفته شد.

در ماه می نخستین گروه مشاوران ادارات استخباراتی شوروی وارد کابل شد. ریاست این گروه را ل.پ.

بوکدانوف بعهده داشت. در ماه اگست یک نماینده گی "ک.ج.ب" در جمهوری دموکراتیک افغانستان ("ج.د.ا") تاسیس گردید. هدف از ایجاد این نمایندگی، کمک در امر سازماندهی ارگان های جدید استخباراتی و دفاع از رژیم

جدیدالتشکیل بود. در سیپ تامیر اداره آگسا (دافغانستان دگنو د ساتلو اداره) ایجاد گردید. وظایف این اداره را هدف قرار دادن منافع کشور های غربی ، دیده بانی از سفارت خانه های اضلا متحده امریکا ، ایران، چین و پاکستان، دشوار ساختن شرایط زنده گی برای اتباع کشور تشکیل میداد.

زمانی که تره کی در سبتمبر 1979 توسط امین خلع صلاح شد به اجنت "ک.ج.ب" عزیز اکبری نا امیدانه چنین گفت: "من در انزوا قرار گرفته ام و هیچ نوع قدرتی ندارم که اقدامی نمایم. این صرف مداخله و شفاغت شوروی است که میتواند من را نجات دهد ولی واضیحا که رفقا شوروی نیز مرا نجات نخواهند داد." این جاسوس بالاخره درک کرده که وظیفه اش به پایان رسیده و از حمایت "ک،ج،ب" بادرش بر خوردار نیست.

ا دامه دارد ...

عزیز رکین